

بررسی روند داستان‌نویسی در افغانستان

حمید بابایی



* بررسی روند داستان‌نویسی در افغانستان.

* حمیرا قادری.

* چاپ اول، تهران: روزگار، ۱۳۸۷.

بسیاری از کسانی که در حوزه ادبیات کار می‌کنند، چه به عنوان نویسنده و چه به عنوان منتقد، متأسفانه تصویر روشن و درستی از ادبیات افغانستان ندارند. این تصویر معشوش، البته به عدم آگاهی ما و مخاطبان از ادبیات داستانی افغانستان برمی‌گردد، که آن هم ریشه در عدم اطلاع‌رسانی دقیق و درست دارد. بسیاری از مخاطبین ادبیات داستانی بر این باورند که ادبیات افغانستان با مهاجرت نویسندگان این سرزمین به علت جنگ در یکی - دو دهه اخیر به وجود آمده است؛ اما ادبیات افغانستان ریشه‌ای به قدمت ادبیات داستانی ایران زمین دارد.

یکی از مشکلات ما برای آشنایی با ادبیات داستانی افغانستان، توزیع نامناسب، مهجور ماندن برخی از این کتب و عدم چاپ برخی دیگر است. به هر جهت، ادبیات داستانی افغانستان با ریشه گرفتن از سنن روایی خود و بهره‌گیری از فنون داستان‌نویسی، روزگار نسبتاً روشنی را در پیش دارد. حمیرا قادری را بسیاری از مخاطبین به عنوان داستان‌نویس می‌شناسند. او علاوه بر داستان، در حوزه نقد نیز فعالیت کرده است. کتاب بررسی روند داستان‌نویسی در افغانستان کتابی است مستند و روشمند برای آگاهی مخاطبین ادبیات با تاریخچه داستان‌نویسی در کشور افغانستان. این کتاب اولین نمونه از پژوهش در زمینه تاریخ‌نگاری ادبی است که نمونه ارزشمند آن را ما در ادبیات داستانی ایران زمین به نام صد سال داستان‌نویسی ایران، نوشته حسن میرعبادینی، می‌شناسیم.

در ابتدای کتاب، نویسنده به بررسی تاریخچه فرهنگی افغانستان

می‌پردازد و اوضاع سیاسی - فرهنگی کشور را در هر دوره تحلیل می‌نماید. این تقسیم‌بندی، از آغاز دوره امان‌الله خان، سال‌های ۱۳۰۷-۱۳۰۸ ه.ش. تا دوره معاصر، یعنی زمامداری طالبان، بین سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۰ ه.ش. می‌پردازد. شناخت فضای سیاسی - فرهنگی باعث می‌شود مخاطب هر چه بیشتر و بهتر بتواند نحوه نگارش نویسندگان را درک کند؛ برای مثال، با ایجاد فضای باز سیاسی در دوره امان‌الله خان و ایجاد یک سری اقدامات اصلاح‌طلبانه وی، نطفه اولیه مطبوعات در کشور افغانستان ایجاد شد و اولین رگه‌های ادبیات داستانی و شعر در این کشور به وجود آمد.

در فصل دوم، همین روند فصل اول به صورت دیگری ادامه پیدا می‌کند و در این فصل، روند داستان‌نویسی در افغانستان با ذکر همان دوره‌های تاریخی که در فصل قبل ذکر شده بیان می‌شود. نکته مثبت این کار، این است که مخاطب با داشتن یک پیش‌زمینه اجتماعی - فرهنگی، پا به عرصه ادبیات می‌گذارد و می‌تواند برخی از کارهای نویسندگان و نحوه نوشتن آنها را درک کند؛ برای مثال، به علت شرایط سیاسی - فرهنگی خاص در دوره ابتدایی، نویسندگان به جای دقت در فرم، صرفاً به بیان اندیشه می‌پردازند و در چنین شرایطی، ادبیات داستانی ابزاری برای بیان اندیشه است و دیگر دقت در راوی و ساخت فضا و ... در کار نیست. با وجود این، مخاطب از طریق این کتاب می‌تواند علت این گونه شرایط را به خوبی درک کند.

در این فصل، چندین نویسنده که در هر دوره به نوعی نویسندگان شاخص عصر خود بوده‌اند، معرفی می‌شوند و کارهای آنها تحلیل می‌شود.

در فصل سوم، روند داستان‌نویسی در هرات بررسی می‌شود. در واقع این فصل ادای دین نویسنده به سرزمین مادری خود است و در کنار آن، نگاه ویژه نویسنده به سرزمینی که سهمی عمده را در فرهنگ افغانستان داراست. در این بخش به پیدایش داستان و شعر در ادبیات، با تقسیم‌بندی گذشته (تقسیم‌بندی فصل اول) پرداخته می‌شود و به نویسندگان هر دوره اشاره‌ای می‌شود. در مؤخره این فصل نیز تعدادی از نویسندگان معرفی شده و از هر کدام داستانی به عنوان نمونه ذکر گردیده است.

کتاب دارای نثری روان و پخته است که خوانش آن را دلچسب و راحت می‌کند. ارتباط موضوعی فصل‌ها باعث شده است که کل کتاب به صورت منسجم در خدمت اندیشه کل و دارای حرکتی رو به جلو باشد.

مباحث ذکر شده دارای سوابق تاریخی است و در عین حال به کل کتاب و موضوعات آن به صورتی علمی پرداخته شده است.